



استبداد، فساد و بی عدالتی؛ نامبارک مصر را به زیر کشید

ریشه‌های اقتصادی قیام مصر

■ شیوا سعیدی

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پس از اتفاقات اخیر در مصر و برکناری حسنی مبارک به دست مردم و در پی اعتراضات بزرگ و مداوم آنها، تحلیلگران زیادی این موضوع را مطرح کردند که علاوه بر مسائل سیاسی چون استبداد ذاتی مبارک و فقدان دموکراسی در مصر، این انقلاب ریشه‌های محکمی نیز در اقتصاد داشته است. به گونه‌ای که فقر گسترده و نرخ بیکاری بالا در مصر به همراه افزایش روزافزون نرخ تورم و بالا رفتن قیمت مواد مصرفی جرقه‌ای به انبار خشم فروخورده مردم مصر شد؛ جرقه‌ای که این انبار بزرگ را منفجر کرد و نتیجه آن نیز چیزی جز سقوط نظام حاکمیتی مصر نبود. برای بررسی این ادعا ابتدا باید نگاهی به اقتصاد مصر در سال‌های اخیر بیندازیم.

با آغاز هزاره جدید، سرعت اصلاحات اقتصادی، از جمله سیاست‌های مالی و پولی، خصوصی‌سازی و انجام تجارت‌های جدید به مصر کمک کرد تا به سمت اقتصاد بازار حرکت کند که در نتیجه این امر سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور افزایش یافت. اصلاحات و سیاست‌های جدید دولت مصر رشد سالانه اقتصاد کلان را قدرت بخشید و به ۵ درصد رساند، اما دولت نتوانست ثروت و رفاه را به طور مساوی در جامعه توزیع کند و در نتیجه، شرایط اقتصادی برای بخش وسیعی از جامعه همچنان بدون تغییر باقی ماند. نرخ بیکاری در میان جوانان زیر ۳۰ سال این کشور بسیار بالاست.

روند اقتصاد کلان

مصر در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا دارای اقتصادی پایدار و

مصر یکی از کشورهای بزرگ آفریقایی است که ثروت‌های بسیاری را در خود جای داده است. این کشور علاوه بر آنکه از دوران باستان یکی از شاهراه‌های تجاری دنیا محسوب می‌شده، در دوران نوین علاوه بر تجارت، صنایع و دیگر فعالیت‌های اقتصادی خود را گسترش داده است. این امر در قدرت سیاسی کم‌نظیر مصر در خاور میانه تأثیر شگرفی داشته است. دلتای نیل در شمال شرقی مصر، مکانی است که بیشترین فعالیت‌های اقتصادی این کشور در آن انجام می‌شود. در ۳۰ سال گذشته دولت سعی کرده تا ساختار اقتصاد تمرکز یافته مصر را که میراث جمال عبدالناصر است، اصلاح کند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی مجموعه‌ای از برنامه‌های بانک جهانی همراه با رهایی از وام‌های کلان بین‌المللی (نتیجه دخالت مصر در جنگ در خلیج فارس) به مصر کمک کرد تا عملکرد اقتصاد کلان خود را بهبود بخشد.

کشور رتبه «پایین» را به خود اختصاص داده است. میانگین دستمزدها در سال ۲۰۰۹ به ازای هر ساعت کار ۲/۴۵ دلار بود.

برنامه اصلاحات یک برنامه کاری است. از زمان روی کار آمدن نظیف، رشد اقتصادی مصر سرعت بیشتری گرفت و این کشور در زمینه توسعه و استحکام زیرساخت‌های قانونی، مالیاتی و سرمایه‌گذاری پیشرفت‌های چشمگیری داشت. در حقیقت، در سال ۲۰۱۰ میلادی رشد اقتصادی این کشور به ۶ درصد رسید (۲ درصد رشد نسبت به سال قبل). از سوی دیگر، تورم روزافزون بر رشد اقتصادی و بهای مواد خوراکی فشار می‌آورد و سبب شد بانک مرکزی مصر نرخ بهره وام‌ها و حساب‌های بانکی را در فوریه ۲۰۰۸ افزایش دهد.

اقتصاد دولتی (عمومی)

کل درآمد کشور از محل تولید ناخالص ملی در ۲۰۰۲ میلادی حدود ۱ میلیارد پوند مصر بوده که در تولید ناخالص ملی در جمعیت به ازای قیمت ثابت به ۱۸۴/۷ میلیارد رسید. بخش اعظم این افزایش عوایدی از افزایش مالیات‌ها، بخصوص مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها در اصلاحات اواخر دهه جاری است. در چند سال گذشته درآمد حاصل از مالیات‌ها کم و بیش درصدی (۲۱ درصد) از تولید ناخالص ملی مصر بوده است.

کسری بودجه کلی پس از تطبیق برای مقدار خالص ادغام‌ها از دارایی‌های کشور همچنان میزان ثابتی از کسری پول نقد است. کسری کلی بودجه در سال ۲۰۰۲ ۳۳/۸ پوند مصر یا ۰/۲ درصد از تولید ناخالص ملی بود.

این اواخر عملکرد اقتصادی دولت بشدت مورد انتقاد قرار گرفته و بحث‌هایی را در پارلمان این کشور مطرح کرده بود. در این زمینه عملکرد ضعیف مدیریتی دولت، فرایندهای جمع‌آوری مالیات و غرامت‌ها و حسابرسی نادرست از یارانه‌های دولتی بخش‌ها و بدهی‌های داخلی، اختلال در بازار داخلی، تورم بالا و هدر رفتن سرمایه‌های اقتصادی این کشور را موجب شد.

بدهی خارجی

بدهی کلی خارجی مصر، مانند بدهی کلی دولت و بخش خصوصی به سرمایه‌گذاران خارجی (به حالت ارز، کالا یا خدمات) بر اساس گزارش بانک مرکزی مصر و بانک جهانی، در حدود ۲۹/۸۹۸ میلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۰۷ بود. با این همه، در چند دوره شرایط مساعدی فراهم شد تا بانک مرکزی مصر بتواند ذخیره ارزی خود را افزایش دهد. این مقدار در سال ۲۰۰۵ به ۲۰ میلیارد دلار رسید و در ۲۰۰۷ به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یافت. هدفمند کردن تورم (اقداماتی برای تثبیت نرخ تورم در یک محدوده) نیز اقدامی متأخر از سوی دولت مصر است. تجربیات این کشور نشان می‌دهد هدفمند کردن تورم بهترین روش عملکردی در زمینه سیاست‌های مالی و پولی است، در حالی که به نظر می‌رسد سیاست‌های مالی و پولی بیشتر درباره فشارهای تورمی پاسخگوست. در اینجا باید اشاره کرد که هیچ مقیاسی برای اندازه‌گیری مرکز تورم وجود ندارد و بانک مرکزی مصر سیاست‌های هدفمندی تورم را بر اساس نرخ تورم موجود در فهرست قیمت مصرف‌کننده اجرا می‌کند. با این حال، تورم روزافزون داخلی و افزایش بهای مواد خوراکی سبب شد تا بانک مرکزی مصر نرخ بهره را در

رشدی مداوم (در حدود ۴ تا ۵ درصد در ۲۵ سال گذشته) است. بخش‌های مختلف اقتصادی در این مدت زمان رشد داشته و بخش تجاری خصوصی و عمومی نقش‌های متفاوتی در این نرخ رشد ایفا کرده‌اند. برخی از رویدادهای مهم اقتصادی مصر به شرح زیر هستند:

اهمیت استاندارد و ملی کردن: در سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۶ میلادی که طی آن نخستین برنامه صنعتی‌سازی در ۱۹۵۷ میلادی تأسیس شد و بخش عمومی در صنایعی مانند فولاد و مواد شیمیایی رهبری امور را به دست گرفت. ملی کردن از اهمیت بخش خصوصی کاست.

جنگ داخلی: سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ که اقتصاد این کشور بشدت تحت تأثیر واردات بی‌رویه قرار گرفت.

گشایش اقتصادی: (۱۹۷۴-۱۹۸۲) طی این دوران سیاست‌ها برای تشویق سرمایه‌گذاری اعراب و کشورهای از طریق مجموعه‌ای از محرک‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری و دستمزدها انجام شد. این اعمال سبب شد اقتصاد مصر توسعه یابد، اما مشخص شد که این رشد ماندگار نیست و در نتیجه از تأثیرات اقتصادی آن کاسته شد.

بحران بدهی‌های خارجی: ۱۹۸۲-۱۹۹۰ دوره بحران بدهی‌های خارجی و جدول‌بندی دوباره کلاب پاریس برای کاهش بدهی‌ها بود.

اصلاحات اقتصادی: (۱۹۹۱-۲۰۰۷) سیاست‌های اصلاحی در مصر به وجود آمدند تا شرایط را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم کنند. از جمله این شرایط می‌توان به محرک‌های عمیق‌تر اقتصادی برای بخش خصوصی در تمام فعالیت‌های اقتصادی اشاره کرد.

بحران جهانی غذا: (۲۰۰۸) اوج گرفتن قیمت مواد خوراکی، بویژه غلات سبب شد تا دولت برنامه‌هایی برای کمک به بیش از ۴۰ درصد جمعیت این کشور که زیر خط فقر زندگی می‌کردند و همین‌طور برنامه‌های جدید برای سیاست‌های کشاورزی و اصلاحات انجام دهد.

بحران جهانی اقتصاد: از سال ۲۰۰۸ میلادی تا به امروز، مصر هنوز هم با پس‌لرزه‌های بحران جهانی در اقتصاد داخلی خود دست و پنجه نرم می‌کند.

دوران اصلاحات

اصلاحات اساسی در اقتصاد مصر از سال ۱۹۹۱ میلادی شروع شد. دولت سیاست کنترل قیمت را آزاد کرد، یارانه‌ها را کاهش داد، تورم و میزان مالیات را کاست و تا حدودی تجارت و سرمایه‌گذاری را آزاد کرد. با این مجموعه اصلاحات، تولید کارخانه‌ای در بخش عمومی، بخصوص در زمینه صنایع سنگین گسترش یافت. فرآیند اصلاحات در بخش عمومی و خصوصی‌سازی برای ایجاد فرصت‌های بیشتر در بخش خصوصی افزایش یافت. در کل بخش کشاورزی (به غیر از کشت پنبه و شکر) به بخش خصوصی سپرده شد. ساخت‌وساز، خدمات غیرمالی، و تجارت‌های خرد به طور کلی به بخش خصوصی واگذار شد. این امر به افزایش تولید ناخالص ملی مصر و نرخ رشد سالانه اقتصادی آن منجر شد. دولت مصر توانست با این سیاست‌ها تورم دو رقمی این کشور را به یک رقم کاهش دهد. در حال حاضر تولید ناخالص ملی این کشور سالانه ۷ درصد رشد می‌کند.

بر اساس گزارش بانک جهانی، مصر درباره دستمزدها و میانگین اجرت در این

نشانگرها	۱۹۸۱	۱۹۹۱	۲۰۰۱	۲۰۰۵	۲۰۰۶
تولید ناخالص ملی به ازای سرانه جمعیت	۱,۳۵۴,۸۱	۲,۵۲۴,۹۹	۳,۶۸۵,۹۸	۴,۳۱۶,۵۹	۴,۵۳۴,۸۲
تولید ناخالص ملی در جمعیت به ازای قیمت ثابت (EGP)	۳,۱۲۱,۸۵	۴,۰۷۵,۴۷	۵,۱۳۸,۳۶	۵,۵۱۹,۰۹	۵,۶۹۲,۲۴
تولید ناخالص ملی به ازای قیمت‌های کنونی (EGP)	۴۱۱,۲۰	۲,۰۹۸,۷۱	۵,۴۹۳,۲۸	۷,۸۹۰,۶۵	۸,۷۰۷,۸۸
تولید ناخالص ملی در ارزهای کنونی (\$US)	۵۸۷,۴۲	۸۶۹,۳۰	۱,۴۶۰,۹۸	۱,۳۱۵,۷۵	۱,۵۱۷,۸۵

نیروی کار	۲۵/۸ میلیون نفر (۲۰۰۹)
نرخ بیکاری	۹/۷ درصد (۲۰۰۷)
عوایدی بودجه	۴۸/۸۶ میلیارد دلار (۲۰۰۹)
بودجه هزینه‌ها	۶۱/۶۱ میلیارد دلار (۲۰۰۹)
نرخ رشد تولید صنعتی	۳/۹ درصد (۲۰۰۹)
تراز حساب جاری	۳/۳۲ میلیارد دلار (۲۰۰۹)
صادرات	۲۲/۹۱ میلیون دلار (۲۰۰۹)
واردات	۴۳/۹۸ میلیون دلار (۲۰۰۹)
ذخیره ارزی	۳۴/۹۹ میلیون دلار (۲۰۰۹)
بدهی خارجی	۲۸/۴۵ میلیون دلار (۲۰۰۹)

صنایع استیل

EZDK یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید استیل در مصر و خاورمیانه است. بخشی از فعالیت‌های این شرکت به واحدهای تولید استیل در اسکندریه، شهر سادات، سوئز و شهر رمضان مربوط می‌شود.

نساجی و پوشاک

نساجی و پوشاک یکی از بزرگ‌ترین فرایندهای تولیدی و صادراتی در مصر محسوب می‌شوند و بخش اعظمی از نیروی کار در این صنعت مشغول به کارند. مصر دارای مزیت گوناگونی کالاهای TC است که در بازارهای جهانی ارزش چشمگیری دارد. این صنعت یک‌چهارم کالاهای غیرنفتی مصر را تولید می‌کند.

بانک و بیمه

صنعت بانکداری از زمان تأسیس خود در سال ۱۸۵۶ میلادی تا کنون فراز و نشیب‌های بیشماری را در مصر پشت سر گذاشته است. علاوه بر آن، اصلاحات، خصوصی‌سازی و ادغام و انحلال‌های زیادی از ۱۹۹۱ تا کنون در این بخش انجام شده است. سیستم بانکی شامل ۵۷ بانک دولتی است که ۲۸ بانک تجاری (۴ بانک دولتی) و ۲۶ بانک سرمایه‌گذاری است (۱۱ بانک ادغام شده و ۱۵ شاخه از بانک‌های خارجی).

صنعت جهانگردی

صنعت توریسم مصر یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی این کشور است، زیرا مشاغل فراوانی ایجاد می‌کند و راه ورود ارزهای خارجی به این کشور را هموار می‌کند. دولت نیز همیشه سعی می‌کند توریسم را ترویج کند، زیرا این صنعت یکی از منابع اصلی سرمایه‌گذاری و ورود ارز به داخل مصر محسوب می‌شود.

شرایط سرمایه‌گذاری

بازار سهام مصر یکی از پیشرفته‌ترین بازارهای منطقه خاورمیانه با بیش از ۶۳۳ شرکت است. حجم بازار سرمایه ارزی مصر در سال ۲۰۰۵ دو برابر شد و به ۹۳٫۵ میلیارد دلار رسید. بازار سهام خاص در گذشته به عنوان منبعی برای جذب سرمایه‌گذاری چندان مورد توجه نبوده است. در هر حال، دولت چند تغییر در سیاست‌های خود ایجاد کرد تا سرمایه‌های سهام خاص را نیز جذب کند.

در حال حاضر صنایع بزرگی چون نساجی، هیدرو کربن و تولید مواد شیمیایی و دارو بخش بزرگی از بازار سهام را به خود اختصاص داده‌اند (با این حال، نرخ بیکاری این کشور در ۲۰۱۰ میلادی ۱۰٫۵ درصد بود).

در سال ۲۰۰۳ میلادی اقتصاد مصر دچار کمبود ارز خارجی و بالا رفتن ناگهانی نرخ بهره شد. مجموعه‌ای از اصلاحات بودجه‌ای انجام شد تا ضعف‌های اقتصادی جبران شود و اعتماد دوباره به بازار مصر بازگردد.

فقر و توزیع درآمد

بر اساس آماري که در سال ۲۰۰۵ گرفته شد، خط فقر به ازای سرانه افراد در مناطق مختلف متفاوت است. داده‌های بانک جهانی و وزارت توسعه و اقتصاد مصر بر اساس مقایسه میان هزینه‌های واقعی و هزینه‌های مواد خوراکی مصرفی (با در نظر گرفتن ۲۴۷۰ کالری برای هر فرد) نشان می‌دهد هر مصری که کمتر از ۹۹۵ پوند مصر در سال هزینه کرده است، بسیار فقیر محسوب می‌شود. آنهایی که کمتر از ۱۴۲۳ پوند مصر هزینه کرده‌اند، فقیر و افرادی که کمتر از ۱۸۵۳ پوند مصر هزینه کرده‌اند، در مرز خط فقر قرار دارند.

به طور کلی ۴۴/۴ درصد جمعیت مصر در محدوده بسیار فقیر تا خط مرز فقر زندگی می‌کنند.

• ۲۱ درصد جمعیت این کشور در خط فقر زندگی می‌کنند؛ این بدان معناست که در حدود ۱۴٫۶ میلیون نفر فقط می‌توانند مایحتاج روزانه و وسایل اولیه رفاه را تهیه کنند.

• فقر یکی از ابعاد اصلی منطقه‌ای در مصر است که در منطقه مصر بالا چه در میان شهرنشینان (۱۸٫۶ درصد) و چه حومه (۳۹٫۱ درصد) موج می‌زند. جمعیت فقیر در کلانشهرهای مصر بسیار کم و در حدود ۵٫۷ درصد است. هم‌اکنون دولت سعی دارد با ابزاری به نام نقشه فقر به هدفمندی جغرافیایی منابع عمومی بپردازد.

سال ۲۰۰۸ میلادی افزایش دهد. نرخ سود بانکی در حال حاضر ۱۰٫۵ درصد و ۱۲٫۵ درصد است.

سیاست نرخ ارز

از دهه ۱۹۵۰ میلادی سیاست‌گذاری مصر در زمینه نرخ ارز به دلار آمریکا مرتبط شده است. روش‌های مختلفی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی به کار گرفته شد. با گذشت زمان، چند بازار ارزی پدید آمد، مانند بازار سیاه، بازار موازی و بازار رسمی. با آغاز هزاره جدید، دولت روش شناور جدیدی را به بازار ارائه کرد و در زمینه برابری نرخ پوند با دیگر ارزها بسیار موفق بود. انتقال روش ارزی جدید در دسامبر ۲۰۰۴ کامل شد. مدت کمی پس از آن مصر به بانک جهانی اعلام کرد که قانون VIII بخش‌های ۲ و ۳ و ۴ از توافقنامه بانک جهانی را اجرا کرده است. اعضای بانک جهانی که قانون VIII را اجرا می‌کنند، متعهد می‌شوند محدودیت‌های تحمیلی بر دستمزدها و نقل و انتقال بین‌المللی را فقط با موافقت این مرجع جهانی اجرا کنند. در حقیقت اجرای این قانون در مصر بدان معناست که مصر سیستم دستمزدهای آزاد را اجرا می‌کند.

بخش اقتصادی

طی دهه ۱۹۷۰ میلادی با وجود سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری در بخش بازیافت زمین، صنعت کشاورزی به عنوان صنعتی پر درآمد رتبه خود را از دست داد. صادرات محصولات کشاورزی که در دهه ۶۰ میلادی ۸۷ درصد کل کالاهای صادراتی کشور محسوب می‌شد، در دهه ۷۰ به ۳۵ درصد و در ۲۰۰۱ میلادی به ۱۱ درصد کاهش یافت. در ۲۰۰۰ میلادی کشاورزی ۱۷ درصد تولید ناخالص ملی و ۳۴ درصد آمار اشتغالزایی صنایع مصر را به خود اختصاص داد.

بخش صنعتی

شرکت خودروسازی EI Nasr یک شرکت دولتی است که در سال ۱۹۶۰ میلادی تأسیس شده است. این شرکت تحت لیسانس غول‌های خودروسازی مانند دایملر، کیا، کرایسلر و پژو فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

مواد شیمیایی

شرکت تولید کننده کود (AFC) یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کود نیتروژنی در خاورمیانه است. این شرکت ۵۰ درصد کود مورد نیاز خاورمیانه را تولید می‌کند.

لوازم برقی و خانگی

گروه صنعتی المپیک بزرگ‌ترین گروه شرکت‌های تولیدکننده لوازم برقی و صنعتی در این زمینه است.